

پیش‌خوان

در خوانش مختصات و پیامدهای یک «بن بست»

مهدی هاشمی و اطر افیانش در آیینه بولتن‌های نو انتشار

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، جمع شده برخی اطلاعات بولتن گون درباره عملکرد مهدی هاشمی و باند اوست که برای نخستین بار و در راستای

تئویر افکار عمومی، برای عموم علاقه‌مندان نشر یافته است. این اثر بالطبع، از سوی جمعی از نویسندگان تولید شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تازنمای ناشر درباره مختصات این کتاب، چنین آورده است: «زمانی که پرونده سیدمهدی هاشمی رسیدگی شد، قضایی مسموم علیه جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات و نیروهای بررسی‌کننده از سوی دشمن و خودی‌ها به وجود آمد. به همین جهت دوستانی که دست‌اندر کار بررسی پرونده بودند، به فکر تشریح و واکاوی موضوع و شخص سیدمهدی برآمدند و از همان ابتدا، جزواتی را در حد محدود برای خودی‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی تهیه کردند. اینک که مدتی از آن زمان گذشته و هنوز هاله‌ای از غبار روی واقعیت موضوع پوشانده، بر آن شدیم تا مجموعه آن جزوات را به صورت گسترده‌تر در اختیار نسل جوان و آینده قرار دهیم. مجموعه این نوشتار مستند به اسناد و اعترافات جریان انحرافی سیدمهدی می‌باشد که به کالبدشکافی ریشه انحرافات وی پرداخته است...»

در بخش دیگری از این سایت و طی یک یادداشت، سر فصل‌های این اثر و ترتیب انتشار آن اینگونه معرفی شده است: «تازه‌ترین اثر مؤسسه فرهنگی-



مهدی هاشمی معوم، در حاشیه دادگاه

هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در قالب کتابی با موضوع بررسی کارنامه سیدمهدی هاشمی منتشر شد. این مجموعه با عنوان بن‌بست، مستند به اسناد و اعترافات سیدمهدی هاشمی است و به کالبدشکافی ریشه انحرافات وی می‌پردازد. در مقدمه این اثر، یادداشتی از حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، درباره جریان مهدی هاشمی، نحوه کشف و خشی‌سازی آن جریان منتشر شده است. این اثر ضمن به تصویر کشیدن درایت و آینده‌نگری و در عین حال مظلومیت امام خمینی در برخورد با جریان سیدمهدی هاشمی که هنوز پس از گذشت یک دهه واقعیت امر برای بعضی از خواص نیز آشکار نشده و نیز هشتاد اخلاقی و فکری به جوانان انقلابی این مرز و بوم که در دهه تولد جریان‌های خرد و کلان در تلاش برای انتخاب تشکیلی سالم می‌باشند، به منظور افشای این جریان فکری و تشریح و تبیین علل و عوامل بروز این انحراف و به تصویر کشیدن شاخصه‌های اخلاقی و فکری آن پیوده تا گامی در راستای جلوگیری از افتادن افراد دیگر در این ورطه و پیشگیری از بروز و تشکل‌گیری مجدد آن در قالب‌های دیگر باشد. کتاب بن‌بست در دو بخش تنظیم شده است، بخش اول که شامل چهار فصل است، به ترتیب به بررسی جنبه‌های اولیه و صفات شخصیتی سید مهدی هاشمی، نقش و عوامل اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری شخصیت وی، بروز ضعف‌های اخلاقی در ساختار تشکیلات و طرف مهدی هاشمی و جلوه‌های غیر اخلاقی در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی پرداخته است. بخش دوم این مجموعه، به واکاوی مبانی فکری سیدمهدی هاشمی می‌پردازد. این بخش هم مشتمل بر سه فصل است، بررسی ریشه‌های انحراف مهدی هاشمی، وابستگی او به بیت‌آیتاله منتظری، جبهه‌گیری در مقابل روحانیت، اجتهاد به رأی و... و مباحث این بخش است...»

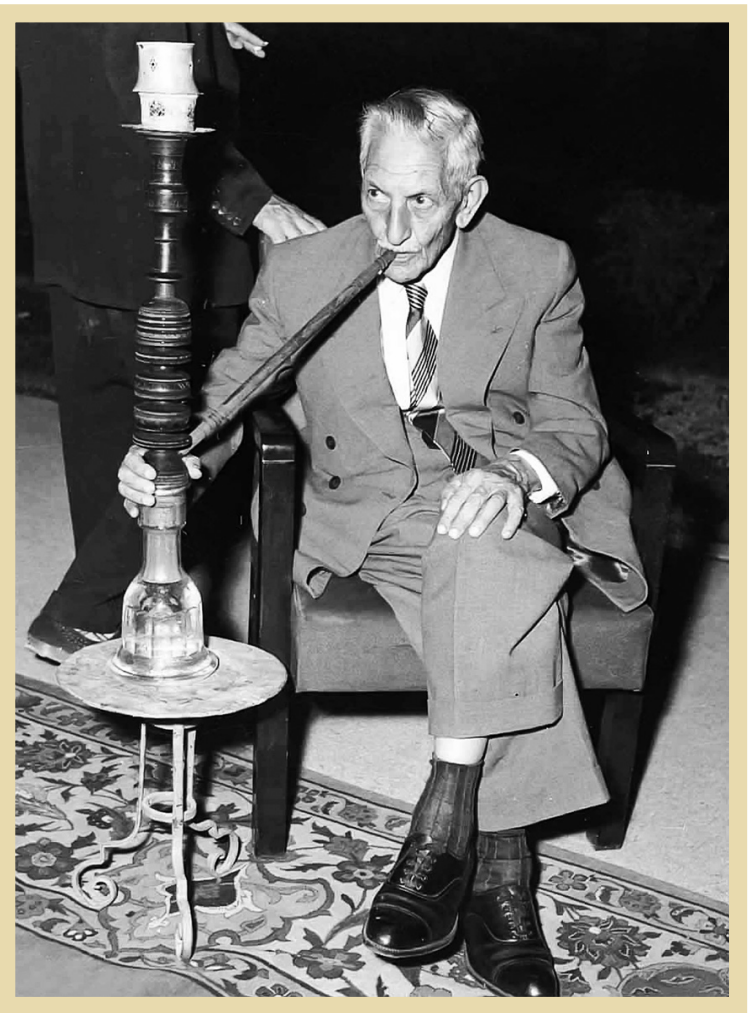
■ **عبدالحسین نوریان**

دولت‌های عهد پهلوی به ویژه از شهر یور ۲۰ به بعد، جز در موارد استثنایی، در وابستگی به انگلستان و سپس امریکا اشتراک داشتند. معمولاً در رأس آنها نخست‌وزیران تکراری و منتظر الف‌بای‌ها بودند که به شکل نوبه‌ای قدرت را از یکدیگر تحویل می‌گرفتند! ابراهیم حکیمی در زمره آنان است که البته صدر اعظم شدن مکرر وی، نتوانست موج خود آگاهی ملی را فرو نرساند. مقال پی آمده به مناسبت عبور از هفتادوپنجمین سال از آخرین نخست‌وزیری وی نشر می‌یابد و پرشی از یک پژوهش بلند به نام «با پاداری کابینه‌ها در ایران» است. امید آنکه مفید آید.

■ **بسترهای قدرت‌یابی دولت ابراهیم حکیمی**

پیش از ورود به خوانش کار کرد و کارنامه سه دولت ابراهیم حکیمی، مروری بر بسترهای قدرت‌یابی نامبرده در آغازین دوره از نخست‌وزیری، بهنگام می‌نماید. بعد از سقوط کابینه محمد ساعد مراغه‌ای و تهدیدی که «کافتارده» نماینده استالین نسبت به ایجاد بحران و مشکل آفرینی در امور ایران انجام داد، شاه درصدد پیداکردن فردی آرام و انعطاف‌پذیر بود که در عین حال، مخالف امتیازخواهی روس‌ها نیز باشد. بر ترضی قلی‌بیات که روحیه نرم و انعطاف‌پذیری داشت، می‌توانست انتخاب مناسبی برای آن زمان قلمداد شود. کابینه بیات که متشکل از هفت وزیر سلطنت‌طلب و چهار وزیر طرفدار انگلیس بود، همواره باید در تنگناها و تضادها به سمتی حرکت می‌کرد که به فعالیتش در آینده لطمه‌ای نخورد. دولت بیات همچنین به منظور رهایی از فشار روس‌ها و تأمین نسبی نظر دربار و انگلیس در آن مقطع خاص، از طرح عدم واگذاری هر نوع امتیاز استقبال کرد و اجرائی آن را متعهد شد. از سوی دیگر کابینه بیات سعی کرد از اختیارات گسترده میلسیوو و هیئت امریکایی در ایران، حتی از طریق لایحه قانونی در مجلس جلوگیری نماید. از طرفی کابینه‌وی خواهان مداخله نکردن بیگانگان در امور داخلی ایران شد که قید کلمه «بیگانگان» شامل انگلیسی‌ها نیز می‌شد. تقاضای مداخله نکردن بیگانگان در امور کشور شامل

شاه معمولاً و وجود نخست‌وزیر با تجربه و سیاستمداری چون احمد حکیمی که کارنامه وابستگی‌اش به دربار و مورد وثوق بودنش برای انگلیسی‌ها جای تردیدی نداشت، برای سومین بار صدات یافت. حکیمی در نظر داشت به منظور خوش خدمتی بیشتر به شاه و دربار، تشکیل مجلس سنا را که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، اما با مخالفت آزادبخواهان مواجه بود به تصویب مجلس برساند



ابراهیم حکیمی، در اولین نوبت از نخست‌وزیری

دولت‌های عهد پهلوی به ویژه از شهریور ۲۰ به بعد، جز در موارد استثنایی، در وابستگی به انگلستان و سپس امریکا اشتراک داشتند. معمولاً در رأس آنها نخست وزیران تکراری و منتظر الف‌بای‌ها بودند که به شکل نوبه‌ای قدرت را از یکدیگر تحویل می‌گرفتند! ابراهیم حکیمی در زمره آنان است که البته صدر اعظم شدن‌های مکرر وی، نتوانست موج خود آگاهی ملی را فرو نرسانند و گرهی از تشنج‌ها و کشمکش‌های داخلی بگشاید

ابراهیم حکیمی، ۳ دوره نخست‌وزیری با حال و هوای وابستگی به انگلستان و دربار

منتظرالصدارهای که فقط در اندیشه خوش خدمتی به شاه بود

همه کشورها می‌شد که گستردگی این موضوع موجب مخالفت انگلیس با بیات شد؛ به هر حال تمام عوامل فوق و نیز بازگشت پیشه‌وری به آذربایجان به دستور کملین - که ناشی از شکست مذاکرات نفت بود- و همچنین برگزاری کنفرانس و سخنرانی به زبان آذری از سوی پیشه‌وری و کمونیست‌های طرفدار شوروی در باب استعمار نو و استثمار و مضرات آن و القای ذهنیت استعمار آذربایجان و تسری این موضوع به کردستان، مجموعاً بسا معضلات و مشکلات را در بعد داخلی از نظر سیاسی و امنیتی ایجاد کرد. کابینه‌بیات که چندان مورد حمایت دربار نبود، نتوانست مقابل این مشکلات مقاومت نماید؛بالاخره سقوط کرد. این شرایط و تنگناها برای کابینه‌بیات در حالی بود که در عین درگیری دولت در مسئله آذربایجان و کردستان، موضوع پیشنهاد کفالت وزارت جنگ با تصدی سرتیپ «عبدالله هدایت» که کاملاً در جهت قبضه کامل قدرت ارتش در دست دربار و محمدرضاشاه بود، صورت گرفت. موضوعی که در واقع کم‌کم در بعد سیاست‌های مداخله‌جویانه برتری طلبی دربار و شخص محمدرضا پهلوی به شکل نوبنی جلوه گر می‌شد. در این زمان عده‌ای از نمایندگان وابسته و طرفدار انگلیس، سقوط دولت بیات را شدت بخشیدند.

■ **کابینه اول ابراهیم حکیمی (۱۲۲۲از دیبهبست ۱۳۲۴-۲۳ خرداد ۱۳۲۴)**
کابینه‌نخست‌ابراهیم حکیمی، بعداز سقوط کابینه‌بیات و بااکثريت ضعيفی شکل گرفت. حکیمی که در کارنامه خود ویژگی‌هایی از جمله: گرایش سنتی به انگلیسی‌ها و آذربایجانی‌بودن را به همراه داشت، در آن مقطع حساس و با توجه به عامل همزبانی و سوابق وی در دوران مشروطیت و دوری از قدرت در زمان رضاشاه و سرآمد لژرفاماسونی قرار داشتن قبل از آن می‌توانست انتخاب مصلحتی و مناسبی برای حل نسبی مشکل کشور باشد.

با سیاستی که دربار و سفارت انگلیس بانی آن بودند، می‌خواستنداز طریق کابینه‌حکیمی، مسئله آذربایجان را از راه کم کردن بار حساسیت‌های قومی با کاهش تشنج‌ها و بحران‌ها حل نمایند. حکیمی هم متقابلاً به منظور سر و سامان دادن نسبی به اوضاع و تلاش در جهت‌حل بحران‌های کشور، می‌خواست‌وزرایي را بدوین

از سقوط حکیمی، شاه در گفت‌وگویی محرمانه با من گلایه کرد که ۴۰ سال دیگر زمان لازم است تا ایرانیان بتواننددموکراسی را به‌دستی به کار بینند. شاه تلاش می‌کرد سخنانی از من بیرون بکشد که مشوق او برای توسل به قدرت شخصی بدون توجه به محدودیت پارلمانی باشد...». «بولارد» نقش تمام‌عیاری در بررسی سوابق شخصیتی و میزان وابستگی تمام اعضای کابینه‌ها خصوصاً شخص نخست‌وزیر داشت و معمولاً افراد مورد نظر برای احراز این پست، باید از فیلتر سفارت کبرای انگلیس می‌گذشتند. او در مراحل اولیه، کابینه‌حکیمی را قبول داشت ووی را فردی گمنام، بی‌تجربه و بی‌ضرر برای منافع انگلیس می‌دانست، اما در نهایت، تأمین نشدن نظر آنها در مراحل بعد و افزایش تشنج آفرینی فرآکسیون‌های نزدیک به دربار - که منجر به سقوط کابینه حکیمی شد- به‌نوعی حکایت از حمایت نکردن جدی انگلیسی‌ها و تنها رها کردن کابینه حکیمی در آن مقطع دارد.

■ **کابینه دوم ابراهیم حکیمی (۷ آبان ۱۳۲۴ - ۵ دی ۱۳۲۴)**

هنگام رأی مجلسیان برای انتخاب نخست‌وزیر بین دونامزدنخست‌وزیری (حکیم‌الملک وقوام‌السلطنه) دربار طرف حکیم‌الملک را گرفت و وی را برگزید. دربار و شخص محمدرضاشاه که در مدت سه، چهار سال، کم‌کم در عرصه تصمیم‌گیری و فتح کلیدهای تأثیرگذار چون ارتش یا بعضاً ترکیب پارلمان، با اقتدار بیشتری ظاهر شده بودند، در زمان کابینه حکیمی تصمیم داشتند به دلیل نفوذ و ارتباط گسترده با ارتش و به منظور خوندنمای جهت سرکوب نیروهای دموکرات آذربایجان، نیروی نظامی به تریز گسیل دارند و در این رابطه از ارتش جهت مقابله با مخالفان، استفاده تبلیغی و ابزاری نمایند. اما ارتش شوروی نیروهای نظامی اعزام‌شده را در قزوین متوقف کرد و مانع تردد آنها بعد از قاین شهر شد. متعاقب این جریانات، بالاخره کنگره خلق به رهبری گروه پیشه‌وری در آذربایجان گشایش یافت و بعد از این جریان، هیئت ۲۹ نفره کنگره خلق به ریاست حاج علی شبستری، آگهی انتخابات مجلس ملی را منتشر و تاریخ آن را ۲۱ آذر ۱۳۲۴ اعلام کرد که آن مجلس افتتاح هم شد و پیشه‌وری را مأمور تشکیل کابینه کرد. طی هشت روزی که کنگره ادامه داشت، نطق‌های آتشین و احساساتی سخنرانان به زبان آذری، جمع را به سوی انتخابات مجلس ملی آذربایجان برد و این‌ها را بودی که در همین زمان کشورهای شرق اروپا می‌توانند تا تبدیل به جمهوری‌های دموکراتیک و وابسته به شوروی شوند. در این زمان حزب دموکرات کردستان، گام‌را فراتر نهاد و اعلام جمهوری مستقل کرد. در چنین شرایطی بحرانی، دولت انگلیس، اکثریت مجلس دربار

و همچنین ارتش را در اختیار داشت. شوروی نیز حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان و تا حدودی کردستان را در اختیار داشت. مع‌الوصف بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی جامعه ایران که یکی از دلایل مختلف از جمله فرآکسیون آزادی، منفردین و دموکرات روه‌برو شد. نمایندگان عده‌ای فرآکسیون‌هاو سایرین به دلیل تأمین نشدن نظرات و استدلال‌های خاص خود، در رأی‌گیری شرکت نکردند. از طرفی در همان روز معرفی کابینه، روزولت رئیس‌جمهور امریکا در گذشت که این موضوع به‌نوعی در فعل و انفعالات آن روز جامعه ایران خاصه پارلمان و کابینه‌نمی‌توانست بی‌تأثیر باشد، زیرا همواره احساس این می‌رفت که نیرویی که طرف‌تواند به‌عنوان پایگاهی جهت مقابله با خواست‌های بی‌پایان «استالین» و «چرچیل»، در موقع مقتضی عکس‌العمل مناسب نشان دهد که در آن مقطع قدرت امریکا و در رأس آن روزولت، می‌توانست این امید و خواسته را تا حدودی جامه عمل بپوشاند.

با این حال نه طرفداران انگلیس و نه طرفداران شوروی (توده‌ای‌ها)، کابینه‌حکیمی رامطلوب‌خود نمی‌دانستند، زیرا روحیه و سیاست‌های حکیمی با اوضاع بپیچیده آن زمان جور در نمی‌آمد. در آن مقطع خاصی فقط اراده قاطع و ایماعل پیشگیرانه می‌توانست به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های احتمالی، مورد استفاده قرار گیرد. در شرایطی که اجرائی سیاست‌های داخلی کشور روزی‌دیگی و توانایی خاصی می‌طلبید، کشور دستخوش دخالت‌های آشکار بیگانگان و اجانب و عوامل اجرائی آنها در داخل کشور شده بود. سیاست‌های مداخله‌جویانه روس‌ها در آذربایجان و عوامل توده‌ای آنها - که هر روز منجر به درگیری‌های خیابانی و شعلارهای تبلیغاتی علیه دولت و مخالفان می‌شد- کاملاً ابتکار عمل را از دولت بی‌تحرك حکیمی گرفته بود. از همه بدتر - در مرکز به‌اصطلاح قانونگذاری (مجلس شورایی ملی) هم این تنش‌ها و تضادها کمتر از محیط‌های بیرونی نبود و در چنین اوضاع نابسامان و به هم ریخته‌ای، کابینه حکیمی بدون انجام هر گونه کار مفیدی برای کشور با ۹۵ رأی مخالف در مقابل ۲۵ رأی موافق سقوط کرد. بعد از سقوط کابینه حکیمی سفیر امریکا گزارش داد: «فراقصلاسه پس

روس‌ها، موضوع را مستقیماً با آنها حل و فصل نماید. در ضمن هدف دیگر انگلیس، خارج کردن امریکایی‌ها از صحنه این بازی بسود که در همین راستا و پیرو توجه انگلیس، ملاقات محرمانه‌ای بین حکیمی و «علی اف» کاردار سفارت شوروی در منزل «مورخ‌الدوله سپهر» صورت گرفت، اما جریان مذاکرات لسو رفت و بهانه به دست رقیب دیرین حکیمی، یعنی قوام‌السلطنه داد. همچنین مجلس بعد از اطلاع از این موضوع، جریان مذاکرات خود را برای ساقط کردن کابینه حکیمی آماده کرد و دین آچسن (معاونت وقت وزیر خارجه امریکا) در ملاقات با علاء، موضوع شکایت ایران و جواب‌نماینده شوروی را مطرح کرد که این بحث به کابینه ایران نیز کشیده شد. متعاقب آن علاء کار خود را کرده بود و در ملاقات مورای سفیر امریکا با شاه صبح روز بعد، زمینه‌نخست‌وزیری قوام‌فرهم گردید. حکیم‌الملک نیز به دلیل همسان فرزندخواندگی که با سفارت انگلیس و دربار داشت، پس از سقوط کابینه‌اش به سمت وزارت دربار منصوب شد.

■ **کابینه سوم ابراهیم حکیمی (۵ دی ۱۳۲۶ - خرداد ۱۳۲۷)**

بعد از سقوط احمد قوام، تمایل نمایندگان ابتدا به سردار «فاخر حکمت» رئیس مجلس و دکتر مصدق بود، اما چون حکمت احتمال می‌داد که در چنین اوضاع و احوالی، امکان قدرت‌نمایی و عرض‌اندام با کوچک‌ترین اشاره‌ای از او ساقط خواهد شد، حاضر به پذیرفتن آن نشد. بعد از وی موضوع نخست‌وزیری بین حکیمی و مصدق مطرح شد که این‌بار نیز دربار تلاش‌های خود را از طریق دوستان و افراد طرفدار خود در مجلس و سایر مراکز جهت حمایت از حکیمی شروع کرد، بنابراین دوباره حکیمی نخست‌وزیر شد. دولت حکیمی بر عکس دولت قوام که در زمینه‌های ورود مستقیم امریکا را در ایران جهت ایجاد تعادل، توازن و مقابله با سیاست‌های تمامیت‌خواهانه انگلیس ایجاد کرده بود، اوضاع را به همان وضعیت سابق و اردوگاه استعماری قبلی که ریشه‌های فکری حکیمی هم‌سخت‌بیشتر با آن داشت، بر گرداند و به‌نوعی یک سیاست امریکازدایی در مراکز اجرائی و تصمیم‌گیری نیز شروع شد و حتی در زمان کابینه حکیمی، لایحه‌ای از سوی وزیر دادگستری (محمد سرسوری) و با اشاره دربار به مصادره اموال قوام به جرم اختلاس و سوء استفاده از مقام تهیه شد و به مجلس رفت. قصد این کابینه رسوا کردن کسی بود که در دوران صدارت‌ش دربار را تحقیر کرده و آزار فراوان داده بود که در نتیجه در کمیسیون رسیدگی به لایحه مصادره اموال قوام، بین درباریان و وفاداران به قوام جنگ در گرفت، ولی این بار مجلسیان آن طور که دربار خواست عمل نکردند و لایحه در مجلس رد شد!

همچنین کابینه حکیمی سعی می‌کرد قانون تنظیم مطبوعات را برای ایجاد فضای احتقاق و پایدان دادن به آزادی‌های موجود و تجهیز رکن اساسی دولت به تصویب رساند و حتی قرضه ۲۵ میلیون دلاری اسلحه از امریکا را به ۱۰ میلیون دلار کاهش داد و این در حالی بود که شاه به‌تدریج در تمام صحنه‌ها کنترل را مصدر امور قرار می‌داد و سعی و تلاش خود را در کشتن و در دست بگیرد، تا جایی‌که وی حل قضیه آذربایجان را و نتیجه فعالیت‌ها و عملکرد خود می‌دانست. شاه معمولاً از جود نخست‌وزیر باتجربه، سیاستمدار و کاردار می‌قوام احساس خوبی نداشت، بنابراین انتخاب حکیمی با سابقه و ایستگی‌اش می‌توانست انتخاب مناسبی باشد. از طرفی حکیمی که کارنامه وابستگی‌اش به دربار و مورد وثوق بودنش برای انگلیسی‌ها جای تردیدی نداشت، در نظر داشت به منظور اثبات بیشتر خوش خدمتی به شاه و دربار، تشکیل مجلس سنا را که در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، ولی همواره به علت مخالفت آزادی‌خواهان تأسیس آن به تعویق افتاده بود، این بار به تصویب مجلس برساند، بنابراین لایحه تشکیل مجلس سنا را تسلیم مجلس نمود. از سوی دیگر کابینه حکیمی، زیر فشار روس‌ها مبنی بر فسخ کردن نظامی اسلحه منقد شده با امریکایی‌ها در زمان قوام داشت و این قرارداد را مغایر با عهدنامه مقابله با فشارهای ایذایی روس‌ها، دولت ایران در پاسخ و طی نامه مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۲۶، ادعاهای فوق و اتهامات وارده را بی‌اساس دانست و توضیح داد قرارداد منقده تنها درباره استخدام تعدادی مستشار نظامی امریکایی است که خدمات آنها فقط جنبه مشورتی دارد و به آنها اجازه داده نمی‌شود که طرح‌ها و عملیات تاکتیکی یا استراتژیکی اظهارنظر کنند و در مقابل دولت ایران نیز از شوروی‌ها در خصوص حمایت و پناه دادن به مخالفان کشور (اعضای فرقه دموکرات) گلایه کرد. توده‌ای‌ها نیز در راستای اهداف شوروی با شیطنت و ارتباطاتی که با حاجلی رزم‌آرا داشتند، علیه مخالفان دست به اقداماتی می‌زدند؛ از جمله با تبنای رزم‌آرا اقدام به ترور محمد مسعود (روزنامه‌نگار منتقد) کردند، زیرا احتمال فاش شدن ارتباط رزم‌آرا با توده‌ای‌ها در آن زمان مطرح بود که در مجموع افزایش قدرت‌طلبی رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش و مخالفت وی در آن زمان با حضور امریکایی‌ها و همچنین رنجش امریکایی‌ها نیز گردیده بود. مع‌الوصف مجموعه عوامل و مشکلات داخلی و خارجی و همچنین به سوازات افزایش قدرت شاه دربار که بعد از سقوط کابینه قوام عملاً روند دیگری پیدا کرده بود و نیز عدم توفیق دولت حکیمی در کنترل و سامان‌دهی امور، از جمله لاینحل ماندن موضوع حقوق ملت ایران درباره شرکت نفت به دلیل اعطاف نداشتن انگلیسی‌ها در پذیرش هر گونه مذاکره و استمرار فشار روس‌ها به پنهان‌های مختلف به دولت ایران، زمینه‌های سقوط کابینه حکیمی را فراهم کرد.



■ **خبر مهم حکیمی (تقر وسطا) کنار شاه وروزولت پیروز تر تقر سمت چپ)**



خبر مهم حکیمی (تقر وسطا) کنار شاه وروزولت پیروز تر تقر سمت چپ)